

فلسفه زیارت پیامبر (ص)

فلسفه زیارت پیامبر (ص)

زیارت پیامبر اعظم (ص) به عنوان یک اصل مسلم و سنت حسنه، در روایات متواتر فریقین مورد تأکید و اهتمام فراوان است. وهابیان کدر این مورد فتوایی خلاف نظر اسلام صادر کرده اند که بر اساس رأی فقهی آنها، بار سفر بستن و شدّ رحال به قصد زیارت مضجع نورانی نبی اعظم (ص) حرام است و از مصادیق سفر معصیت به شمار می آید که مسافر باید نماز خود را در آن تمام بخواند. در این مقاله سعی شده تا به بررسی دلایل و مستندات حرمت زیارت پیامبر اعظم (ص) از بعد فقهی پردازد و آنها را مورد نقد قرار دهد.

مقدمه

زیارت پیامبر اعظم (ص) یکی از عبادات شرعی و بسیار مؤکد شریعت اسلام است و از سنت های حسنه به شمار می رود. وهابیان که فتاوا و عقاید نادر آنها مشهور است، در این مورد فتوایی خلاف نظر اسلام صادر کرده اند که از ابعاد غلط فقهی آن نمی توان غافل شد. بر اساس رأی فقهی آنها، بار سفر بستن و شدّ رحال به قصد زیارت مضجع نورانی نبی اعظم (ص) حرام است و از مصادیق سفر معصیت به شمار می آید که مسافر باید نماز خود را در آن تمام بخواند. در این مقاله سعی نگارنده بر آن است که به بررسی دلایل و مستندات حرمت زیارت پیامبر اعظم (ص) از بعد فقهی پردازد و آنها را مورد نقد قرار دهد و بر استحباب فراوان زیارت آن حضرت در نظر اسلام تأکید کند.

فتوای وهابیت در این باره

محمد بن عبدالوهاب، سر شاخه فرقه وهابیت، معتقد است: «سَنَ زيارَةَ النَّبِيِّ (ص) إِلَّا أَنَّهُ لَا يَشُدُّ الرَّحْلَ إِلَّا لِزِيَارَةِ الْمَسْجِدِ وَالصَّلَاةِ فِيهِ».[1] طبق این فتوا، اگر چه زیارت پیامبر اعظم (ص) موافق سنت و مورد پذیرش است، ولی از بار سفر بستن برای این هدف، نهی شده است. عبدالعزیز بن باز، مفتی بزرگ وهابیت، روایات وارده در باب «فضیلت زیارت پیامبر اعظم (ص)» را مردود شمرده، چنین فتوا می دهد:

«يَجُوزُ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَسَافِرَ إِلَى الْمَدِينَةِ لِلصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ، بَلْ يَسْتَحِبُّ وَ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَسَافِرَ إِلَى الْمَدِينَةِ مِنْ أَجْلِ زِيَارَةِ قَبْرِ النَّبِيِّ (ص) أَوْ قُبُورِ أُخْرَى».[2]

طبق این رأی فقهی، سفر کردن با هدف اقامه نماز در مسجد پیامبر (ص) جایز و مستحب است، ولی برای زیارت آن حضرت یا زیارت امامان بقیع (ع) یا حمزه سید الشهداء (ع) و... ممنوع و نامشروع است.

ابوهریره نیز روایت کرده است که شدّ رحال و بار سفر بستن، تنها برای رفتن به مسجد الحرام در مکه، مسجد النبوی (ص) در مدینه و مسجد الاقصی در فلسطین جایز و در غیر این سه مورد ممنوع است.[3]

به طور کلی، از نگاه وهابیت روایاتی که در بیان ارزشمندی و فضیلت زیارت مرقد مطهر پیامبر اعظم (ص) نقل شده، همگی ضعیف، بلکه مجعول است و قابل استناد نیست.[4] فتوای پیش گفته وهابیت، گر چه ممکن است در ظاهر فتوایی غیر اجتماعی و امری عبادی و فردی جلوه

کند که تنها به یک امر اخروی و مرتبط با جهان پس از مرگ می پردازد و در مورد زیارت اهل قبور و رفتگان به دیار باقی است، ولی حقیقت این است که این قبیل آرای فقهی، اموری صرفاً اخروی و معنوی نیست، بلکه تأمل در ابعاد گوناگون آن، از مسائل عمیق اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی و اندیشه های مسلمانان حکایت دارد و امری نیست که فقط در حد عقیده ای دینی یا نظریه فقهی مرتبط با حیطة خصوصی افراد و جامعه باقی بماند.

بررسی و نقد تحلیلی فتوا

روایت «لا تشد الرحال..» با قطع نظر از مباحث سندی، از جهت دلالت، مشتمل بر جمله استثنائیه است که مستثنی منه آن حذف شده و برای فهم دقیق و نتیجه گیری صحیح از آن، لازم است مستثنی منه آن مشخص شود. در مورد مستثنی منه این روایت دو احتمال مطرح است: یکی اینکه مستثنی منه آن «مکان من الأمکنه» باشد و دیگری «مسجد من المساجد». 1. اگر «مکان من الأمکنه» به عنوان مستثنی منه روایت پذیرفته شود و مفهوم حدیث این گونه باشد: «لا تشد الرحال إلى مکان من الأمکنه الا إلى ثلاثة مساجد» نتیجه این احتمال، گسترش دایره نهی از شد رحال است و لازمه اش آن است که گفته شود: هر مسافرت و بار سفر بستنی، جز برای سه مسجد یاد شده، مورد نهی شرعی قرار گرفته است و باید از آن پرهیز کرد. بسیار واضح است که نمی توان تمامی مسافرت ها را حرام و منهی عنه شمرد؛ چون مسافرت ها را می توان به احکام تکلیفی پنج گانه تقسیم کرد و از این رو، حتی بعضی از آنها را می توان واجب یا مستحب دانست؛ مثلاً از سفر برای جهاد، آموختن فقاقت در دین و صلہ رحم نه تنها نهی نشده، بلکه در مواردی واجب و در مواردی مطلوب شرعی است. بنابراین اخذ به عموم و گسترده شمردن دایره مدلول روایت، برخلاف ضروریات شریعت اسلامی است.

2. احتمال دوم آن است که گفته شود: «لا تشد الرحال إلى مسجد من المساجد إلا إلى ثلاثة مساجد». نتیجه و مفاد روایت، طبق این احتمال آن خواهد بود که روایت، بار سفر بستن به قصد مساجد را مطرح می کند و اصولاً در مقام بیان حکم مسافرت های دیگر از جمله زیارت مضع شریف و مرقد مطهر رسول الله (ص) نیست.

به طور کلی، با توجه به بطلان احتمال نخست و فقدان احتمال دیگر، جز همان احتمال دوم، ناگزیر به پذیرش این احتمال هستیم، به ویژه آنکه این احتمال با ظهور جمله استثنائیه، تناسب و سازگاری بیشتری دارد و نتیجه آن این خواهد بود که از سفر برای سه مسجد نهی نشده و سایر مساجد مورد نهی واقع شده اند. البته توجه به این نکته هم ضرورت دارد که چون خود پیامبر اعظم (ص) به قصد مسجد قبا سفر کرد، لذا نهی روایت را نمی توان تحریمی دانست و نهی آن را باید ارشادی به شمار آورد و در واقع، مفاد و مدلول واقعی روایت این است که شد رحال و زحمت سفر را بر خود هموار کردن، زحمتی بی فایده است؛ چون اقامه نماز در تمامی مساجد ثواب یکسان دارد و به جز مسجد الحرام، مسجد النبوی و مسجد الاقصی، مساجد دیگر در فضیلت، با هم برابری می کنند. در هر حال، نهی روایت را چه تحریمی مولوی و چه ارشادی بدانیم، تفاوتی در نتیجه ندارد؛ چون که سفر به سوی مدینه منوره برای زیارت پیامبر اعظم (ص) ربطی به مدلول روایت «لا تشد الرحال» ندارد و حکم زیارت آن حضرت را باید از ادله استنباط کرد. [5] از این رو، ابوحامد غزالی درباره حکم زیارت پیامبر اعظم (ص) و دلالت روایت «لا تشد الرحال» معتقد است:

«مسافرت عبادی مستحب است؛ از جمله مسافرت برای زیارت قبور انبیا، صحابه و تابعین و دیگر علما و اولیا، و این موضوع با این حدیث پیامبر (ص) که فرمود: «لا تشد الرحال الا إلى ثلاثة مساجد»، منافات و تعارضی ندارد؛ زیرا حدیث مربوط به مساجد است و مساجد از آنجا که همه

در فضیلت یکسان هستند، ترجیحی در سفر به سوی آنها نیست، مگر این سه مسجد، به جهت خصوصیتی که دارند و سفر برای آنها اشکال ندارد و این سفر غیر از سفر برای زیارت قبور اولیای الهی است».[6]

استحباب مؤکد زیارت پیامبر اعظم(ص)

الف) اجماع مذاهب اسلامی

زیارت پیامبر اعظم(ص) یکی از عبادات شرعی و از جمله مستحبات مؤکد در شریعت اسلام است. ابن ادریس حلی در فضیلت زیارت پیامبر(ص) می گوید:

«زیارة رسول الله(ص) عند قبره و کلّ واحد من الأئمة من بعد(ص) فی مشاهدتهم من السنن المؤکدة و العبادات المعظمة فی کلّ جمعةٍ أو کلّ شهرٍ أو کلّ سنةٍ إن أمکن ذلك و إلا فمرةٍ فی العمر؛ زیارت پیامبر اعظم و سایر معصومان(ع) نزد قبور مطهرشان، از سنن، مستحبات و عبادات مؤکدی است که اگر انسان در هر جمعه، در هر ماه یا هر سال موقّق به آن نمی شود، شایسته است لااقل در طول عمرش یک بار آن را به جای آورد».[7]

صاحب جواهر در شرح عبارت، این استحباب را امری اجماعی بلکه از ضروریات دین می شمرد.[8] ضروری دین بودن این مسئله اهمیت اساسی و به سزایی دارد؛ از جمله این که منکر آن را می توان به ارتداد محکوم کرد.

از نظر دیگر مذاهب اسلامی نیز استحباب زیارت قبر پیامبر اعظم(ص) مسئله ای روشن و تردید ناپذیر است. عبدالرحمن جزیری در این باره معتقد است:

«لاریب فی أنّ زیارة قبر المصطفی (علیه الصلاة و السلام) من أعظم القرب و أجلّها شأنًا».[9]

تقی الدین سبکی شافعی نیز به نقل از علامه امینی(رضوان الله علیه) معتقد است:

«لا حاجة إلی تتبع کلام الاصحاب فی ذلك مع العلم باجماعهم و إجماع سایر العلماء علیه، و الحنیفة قالوا: أنّ زیارة قبر النبی(ص) من أفضل المندوبات و المستحبات بل یقرب من درجة الواجبات».[10]

ب) مستند استحباب زیارت نبوی(ص)

در جوامع روایی فریقین، احادیث مرتبط با اهمیت و فضیلت زیارت مرقد شریف پیامبر اعظم(ص) به قدری گسترده است که بیش از حدّ تواتر تلقی می شود.

ابن قولویه قمی در کامل الزیارات، در ابواب متعدد، ده ها روایت قریب المضمون را در فضیلت زیارت پیامبر اعظم(ص) نقل می کند.[11]

شیخ حرّ عاملی(علیه الرحمه) نیز در شش باب از ابواب مزار، ده ها روایت در فضیلت زیارت پیامبر اعظم(ص) و چگونگی آن می آورد و عنوان باب سوم از ابواب مزار را چنین قرار داده است: «باب تأکد استحباب زیارة قبر الرسول الله (ص) و إجبار الوالی الناس علیها و وجوبها کفاية کلّ سنة».[12]

علامه امینی (رضوان الله علیه) روایاتی را از بیش از چهل منبع روایی عامه نقل کرده است که از آن قبیل است:

1. «مَنْ زار قبری وحبّت له شفاعتی».[13] (در 41 منبع آمده است).

2. «مَنْ حجّ مزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی».(در 25 منبع وارد است).

3. «مَنْ حجّ البیت و لم یزرنی فقد جفانی».[14] (در نه منبع آمده است).

نتیجه

1. زیارت پیامبر اعظم(ص) به عنوان یک اصل مسلم و سنت حسنه، در روایات متواتر فریقین مورد تأکید و اهتمام فراوان است.

2. فقهای مذاهب اسلامی بر اساس روایات متواتر، همگی فتوا به استحباب مؤکد آن داده اند و این موضوع از امور اجماعی قطعی و مورد اتفاق مسلمانان است.

3. زیارت مرقد مطهر پیامبر اعظم(ص) نه تنها در بعد معنوی و روحانی، بلکه در ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز حائز اهمیت و قابل توجه است.

4. زیارت نبی اکرم(ص) از مهم ترین محورهای وحدت امت اسلامی است و مسلمانان می توانند در پرتو تمسک به توحید و اعتصام به حبل الله و گردآمدن در اطراف مضجع شریف نبوی(ص) و عمل به آموزه های عملی آن حضرت، بر دشمنان بدخواه و مستکبر خویش غلبه کنند و با وهابیان که محور مهم وحدت اسلامی را نشانه گرفته اند، مقابله کنند.

1. 185.2 182 () « :: 186.3 184 124 122 :: 186.4 144 2 :: 15672
2 294 293 121 43 124.5 :: 43 124.6 2 274.7 1 278.8 20 79 81.9 1
10 594.10 :: 48 111 5 113 109 5 125.11 6 15.12 260 10
264 13. :: 91.14 86 5 108 92